

مدن  
و  
جهانی شدن

مجموعه مقالات

ترجمه  
رسول نوروزی  
فصحه خاتمی نیا

## فهرست مطالب

سخنی با خواننده ..... ۱۱

مقدمه ..... ۱۳

### فصل اول: تمدن‌ها یا جهانی شدن (ها)؟:

#### ایجاد تقارب فکری و دیدگاه‌های جهان‌نگرانه تاریخی

چکیده ..... ۲۱

تمدن‌ها در برابر جهانی شدن‌ها ..... ۲۸

تمدن‌ها با جهانی شدن‌ها ..... ۳۹

نگاهی به رویارویی‌های بین تمدنی ..... ۴۴

نتیجه‌گیری ..... ۵۲

منابع ..... ۵۴

### فصل دوم: معیارهای تمدن در عصر حاضر

معیار تمدن و نظام بین‌المللی در حال توسعه ..... ۶۲

۶۷. معیارهای بین‌المللی تمدن در عصر حاضر.....
۷۰. معیارهای بین‌المللی نبود تبعیض نژادی و رعایت حقوق بشر.....
۷۲. معیارهای بین‌المللی در خصوص جنایت علیه بشریت و قوانین جنگ.....
۷۴. معیارهای بین‌المللی در حال ظهور در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست‌گرایی.....
۷۵. معیارهای تجارت بین‌المللی.....
۷۸. هنجارهای بین‌المللی ریسک سرمایه و بازگشت به عنوان معیار جدید تمدن.....
۸۰. نمایندگی‌های رتبه‌بندی.....
۸۴. بانک جهانی.....
۸۶. صندوق بین‌المللی پول (IMF).....
۸۹. بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی.....
۹۱. نتیجه‌گیری.....
۹۶. کتابنامه.....
۹۸. منابع اینترنتی.....

#### فصل سوم: جهانی‌شدن، تمدن‌ها و نظم جهانی رویکردی جهان‌سازه‌انگارانه

۱۰۳. تمدن‌ها و هویت جدید جهان.....
۱۱۷. چگونه رئالیست‌های ساختارگرا می‌توانند این تفسیر را شرح دهند؟.....
۱۱۸. جهانی‌شدن و اقتصاد جهانی.....
۱۲۹. جهانی‌شدن، تمدن و نظم جهانی.....
۱۳۳. مدل شماره یک: اقتصاد جهان اروپایی و نظم و استغالیایی.....
- در (Global world-economy) جهانی
۱۳۶. حال رقابت و امپراتوری‌های جهان.....

۱۳۹	مدل شماره سه: ظهور نظم دنیای جهانی و تمدن جهانی
۱۴۹	نتیجه‌گیری
۱۵۲	کتابنامه
۱۵۷	فصل چهارم: برخورد تمدن‌ها به مثابه مدلی برای توسعه تاریخی
۱۷۸	کتابنامه
<b>فصل پنجم: تمدن‌ها و قرن بیست و یکم تا ملاتی نظری</b>	
۱۸۴	تاریخی نشان دادن مفهوم تمدن
۱۸۸	منظور از تمدن چیست؟
۱۹۰	معرفت‌شناسی
۱۹۰	نظریه‌های تاریخ
۱۹۳	قلمروهای زمان و مکان
۱۹۴	ابعاد تمدن‌ها: چه فاکتورهایی در شکل‌گیری مقوله بیناذهنیت مؤثرند؟
۱۹۵	اقتصاد اجتماعی (روابط اقتصادی تولید)
۱۹۸	سلطه و تبعیت
۲۰۱	آگاهی معنوی
۲۰۵	زمان و مکان
۲۱۰	یک برنامه پژوهشی
۲۱۰	معرفت‌شناسی
۲۱۳	جامعه مدنی
۲۱۴	همبستگی مدنی

- زیست‌کره ..... ۲۱۶
- حکومت جهانی ..... ۲۱۷
- کتابنامه ..... ۲۱۹

فصل ششم: برخورد تمدن‌ها یا برخورد پارادایم‌ها (تنوریزه کردن پیشرفت و

- تغییر اجتماعی) ..... ۲۲۳
- کتابنامه ..... ۲۵۵

فصل هفتم: تمدن جهانی و فرهنگ‌های بومی نگاهی اجمالی به کلیت مسئله

- یک تمدن یا چند تمدن (One Civilization or Many)? ..... ۲۶۴
- فرهنگ و تمدن ..... ۲۶۷
- به‌کارگیری واژه فرهنگ برای جامعه ..... ۲۶۷
- خاستگاه مخالفت آلمان با فرهنگ و تمدن ..... ۲۷۱
- تحلیلی‌هایی در باب فرهنگ و تمدن ..... ۲۷۳
- یک تمدن / چند فرهنگ ..... ۲۷۷
- مفاهیم ..... ۲۸۳
- نتیجه‌گیری ..... ۲۸۶
- کتابنامه ..... ۲۸۸

فصل هشتم: تمدن اسلامی بین مدینه و آتن

- تبیین فلسفی - روشنفکری ..... ۳۰۰
- تبیین ژئو - استراتژیک ..... ۳۰۱

۳۰۲	تبیین تکنولوژیکی - علمی
۳۰۳	یکپارچگی جهان
۳۰۸	سه جریان مهم
۳۰۹	بازتولیدگرایی (Reproductivism)
۳۱۳	التقاطی‌ها (Communalism)
۳۱۶	جهان‌گرایی (Universalism)
۳۲۱	نتیجه‌گیری: اسلام و هلنیسم جدید

ضمیمه: نقد و ارزیابی مقاله «تمدن اسلامی بین مدینه و آتن»

۳۲۵	مقدمه
۳۲۶	رهیافت به موضوع
۳۲۷	ارزیابی و نقد دیدگاه‌های نویسنده محترم
۳۲۷	الف) منشأ و زمینه‌های تاریخی پیدایش تمدن اسلامی
۳۲۸	ب) فراز و فرود تاریخی تمدن اسلامی
۳۳۱	ج) دلایل فراز و فرود تاریخی تمدن اسلامی
	د) مواجهه رویکردها و جریان‌های گوناگون با انحطاط تمدن اسلامی از
۳۳۳	سویی و تمدن جهانی‌شده غرب از دیگر سو
۳۳۹	کتابنامه

نمایه‌ها

۳۴۳	موضوعات
۳۷۳	اعلام و مشاهیر

۳۷۹ ..... مکان‌ها

۳۸۳ ..... تالگان

۳۸۶ ..... کتاب‌ها

۳۸۷ ..... مقالات

## سخنی با خواننده

تولید ادبیات در گستره‌های علمی نوظهور و به‌ویژه چندرشته‌ای، غالباً با دگرخوانی یا ترجمه آثار از زبان‌های گوناگون انجام می‌پذیرد. این امر ورود مفاهیم، نظریه‌ها، موضوعات و مسائل جدیدی را در فضای علمی فراهم می‌آورد و ظرفیت‌های دانشی و پژوهشی جدید را فعال می‌کند. پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی، با هدف تولید ادبیات دانشی لازم برای محققان و گسترش قلمرو پژوهشی، بخشی از پروژه‌های جاری خود را به امر ترجمه اختصاص داده است. این ترجمه‌ها سه قلمرو موضوعی «چیستی تمدن»، «اسلام و تمدن» و «تمدن و جهانی‌شدن» را شامل می‌شود که از میان صدها مقاله و فصل‌های کتاب‌های مرتبط با مطالعات تمدنی توسط شورای علمی گروه مطالعات تمدنی با وسواس و دقت نظر انتخاب شده‌اند؛ از این رو می‌توان به مخاطب این اطمینان خاطر را داد که این اثر یک گام رو به جلو در عرصه پژوهش‌های نوین تمدنی است. ارتباط میان «تمدن و جهانی‌شدن» موضوعی است که در ادبیات فارسی با خلائلی جدیدی درباره آن روبرو هستیم و تک‌نگاری‌های بسیار محدودی هم در این زمینه وجود دارد. پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی امیدوار است پس از عرضه این اثر به علاقه‌مندان به مطالعات تمدنی و بیان مسائل موجود در این عرصه، شاهد رونق گرفتن موضوعات جدید در کاوش‌های علمی دانشوران ایرانی باشد.



اثر پیش رو که با عنوان تمدن و جهانی‌شدن به مخاطبان عرضه شده، حاصل کوشش‌های همه عزیزانی است که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، همچنین پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی فرایند انجام این اثر را تسهیل کرده‌اند. در این میان جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک‌زایی نوعاً در فرایند اجرای چنین پژوهش‌هایی حمایت و همدلی می‌کنند. از مترجمان این اثر سرکار خانم فضا خاتمی‌نیا و دکتر رسول نوروزی که با حوصله و دقت نظر به انجام ترجمه و اعمال اصلاحات مد نظر ارزیابان محترم اقدام کرده‌اند، سپاسگزارم. ارزیابی این اثر و دو ترجمه دیگر - چپستی تمدن و اسلام و تمدن - بر عهده سرکار خانم دکتر فاطمه توفیقی بوده است که بر خود لازم می‌دانم از بازبینی چندباره و تطبیق متن با ترجمه از زحمات ایشان قدردانی کنم؛ همچنین جناب آقای دکتر علیرضا واسعی ارزیابی محتوایی متن را بر عهده داشته‌اند که همراهی ایشان نیز بر کیفیت و اقتان اثر افزوده است. از همکاران در اداره پژوهش پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی جناب آقای دکتر سیدمحمد کاظمی قهفرخی و جناب آقای محمدحسن ترابی بوده که تمامی بیگیری‌های اجرایی از ابتدای تعیین مقالات تا تحویل برای انتشار این اثر بر عهده ایشان بوده است. نیز نشر پژوهشگاه که عهده‌دار آماده‌سازی و چاپ و نشر اثر حاضر بوده، صمیمانه سپاسگزارم.

حبيب‌اله بابائي

مدیر پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی

## مقدمه

پرسش اصلی اثر پیش رو ارتباط میان تمدن و جهانی شدن است. در مجموعه حاضر تلاش شده مجموعه‌ای از رویکردهای گوناگون که به ارتباط میان این دو پدیده پرداخته‌اند، گردآوری شود. برخی از مقاله‌ها به‌طور مستقیم به پرسش کانونی و اصلی پرداخته‌اند و برخی دیگر نیز با بررسی نقش تمدن در سامان‌بخشی به نظم جهان معاصر کوشیده‌اند پل ارتباطی میان این دو برقرار کنند. اینکه تمدن چیست و چگونه با دنیای اجتماعی پیرامون خود و تحولات آن ارتباط برقرار می‌کند، تأثیر مستقیمی بر پرسش از ارتباط میان تمدن و جهانی شدن خواهد داشت. مهم‌ترین پرسش‌ها بر اساس دو سرطیف اثرگذاری تمدنی شکل گرفته‌اند: آیا تمدن‌ها منبیری مداخله‌گر در برابر فرایند جهانی شدن هستند و منبع خشونت و جنگ به شمار می‌روند - آن‌گونه که هانتینگتون اظهار کرده است - یا اینکه تمدن‌ها همراه با جهانی شدن در فرایند نظم‌بخشی به جهان نقشی مثبت ایفا می‌کند. برخی مقاله‌ها به نقد نگاه هانتینگتون به تمدن و نقش آن در جهان معاصر اختصاص یافته‌اند؛ زیرا مباحث تمدنی در جهان پسا جنگ سرد با رویکرد هانتینگتون به مقوله تمدن آغاز شد. منتقدان بسیاری نوع تفسیر وی از تمدن را نمی‌پذیرند و برای تمدن هسته‌ها و قابلیت‌های متعددی قائل‌اند. این گروه

تمدن را امری متکثر (به عنوان ماهیت درون تمدن‌ها) و تکثرگرا (در مقام ارتباط با تمدن‌های دیگر) می‌دانند که در این صورت تعامل آن با محیط بیرونی امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین فعال‌شدن تمدن به عنوان متغیر اثرگذار در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... ضرورتاً به منازعه منجر نخواهد شد و به علت فرایندی بودن مقوله تمدن، برون‌دادهای آن نیز در فرایندها ظهور و بروز می‌یابد.

در مجموعه مقالات پیش رو دیوید اینگلیس در فصل اول در بحثی با عنوان «تمدن‌ها یا جهانی‌شدن(ها)؟ ایجاد تقارب فکری و دیدگاه‌های جهان‌نگرانه تاریخی»<sup>۱</sup> به تناقضی بسیار پیچیده که میان تمدن و جهانی‌شدن در مطالعات مرتبط با این دو حوزه وجود دارد، پرداخته است. وی به رویکردهایی اشاره می‌کند که جمع میان این دو را ناممکن می‌دانند. از منظر کسانی که جمع میان تمدن و جهانی‌شدن را ناممکن می‌دانند، جهانی‌شدن در حال فروپاشی تمامی ساختارهای مرتبط با تمدن است؛ اما نویسنده تلاش می‌کند دیدگاه‌هایی از جهانی‌شدن را معرفی کند که با سطح تحلیل تمدنی قابلیت جمع دارند تا در پرتو آن بتواند دو پروژه جهانی‌شدن و تمدن در جهان معاصر را درون یک قاب جای دهد. علت تأکید نویسنده بر این امر، باور به این مقوله است که همراهی جهانی‌شدن و تمدن به تقویت هر دو می‌انجامد.

گريت گانگ در فصل دوم در مقاله «معیارهای تمدن در عصر جهانی‌شدن»

۱. متن حاضر ترجمه‌ای است از:

به این مقوله می‌پردازد که آیا معیارهای تمدن در عصر جهانی شدن نیز می‌تواند به عنوان عامل نظم‌دهنده در نظام بین‌الملل معاصر به کار گرفته شود؟ به منظور تبیین مسئله، نویسنده با ورود به مقوله تغییر هویت، پرسش خود را چنین بسط می‌دهد: «نظام بین‌الملل جهانی عصر حاضر سؤالاتی در رابطه با اینکه چگونه، کجا و تا چه اندازه معیارهای جهانی تمدن می‌توانند حد و مرزهای هویتی را برای آنهایی که درون این حد و مرزها هستند و آن دسته از افرادی که خارج از جامعه بین‌المللی خود تعیین‌بخش<sup>۱</sup> قرار دارند، از نو مطرح کند». نگارنده برای رسیدن به پاسخ این پرسش، حرکت از کلان‌ترین سطح به یک سطح خرد و جزئی را در دستور کار قرار می‌دهد؛ از این رو نخست طرح کلی معیارهای تمدن در عصر جهانی شدن، همچنین خود معیارهای تمدن و نیز معیارهای اقتصادی و مالی بین‌المللی تمدن را بررسی می‌کند. معیار تمدن از نگاه گریت گانگ، شاخصه‌هایی است که سبب تمایز یک جامعه خاص از جامعه دیگر می‌شود. گریت گانگ با بررسی معیارهای گوناگون اقتصادی در عصر جهانی شدن می‌خواهد نشان دهد تقسیم‌بندی به «تمدن» و «بربر» درست نیست و ما بر اساس معیارهای جدید، متمدن‌تر و کمتر متمدن داریم. معیار این تقسیم‌بندی نیز میزان پیروی از استاندارد تمدن است. از نگاه نویسنده اگر همه کشورهای معیار اقتصاد جهانی شده را بپذیرند، همه به سمت تمدن پیش می‌روند.

مهدی مظفری در فصل سوم که با عنوان «جهانی شدن، تمدن‌ها و نظم

---

1. Self-Determined.

جهانی؛ رویکردی جهان‌سازه‌انگارانه<sup>۱</sup> ارائه کرده، بر این باور است که منطق جهانی‌شدن سبب می‌شود نوعی یکپارچگی و وحدت رویه در تمدن‌ها را شاهد باشیم. به علت شمولیت جهانی‌شدن و قواعد آن، ما با معیار تمدنی واحد روبرو هستیم؛ زیرا جهانی‌شدن هنجارها و ارزش‌های خاص خود را بر کل جهان سیطره می‌دهد و در نتیجه شاهد همسان‌سازی هویتی جهان هستیم که همه عناصر اصلی هویتی همچون دولت‌ها و افراد را تغییر می‌دهد. در نتیجه نیروی سازمان‌دهنده نظم جهان، یعنی آنارشی و دیگر عناصر نظام بین‌الملل موجود دستخوش هنجارهای جدید جهانی و هویت‌های برآمده از آن می‌شوند.

گریگوری ملویش در فصل چهارم با عنوان «برخورد تمدن‌ها به مثابه مدلی برای توسعه تاریخی» به نقد و بررسی آرای هانتینگتون می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که بیان یک نظر ثابت در باب تمدن بدون توجه به جایگاه سنتی تمدن‌ها در جهان باعث می‌شود برداشت ما از نقشی تمدن در نظم جهانی ناقص باشد. از منظر ملویش تمدن‌ها نه دولت‌ها هستند و نه فرهنگ‌ها؛ تمدن‌ها نقش محدودی در ساخت هویت جوامع دارند که امکان ارتباط فرهنگ‌های گوناگون را فراهم می‌آورند؛ از این رو برجسته‌کردن یا نادیده گرفتن نقش تمدن‌ها سبب می‌شود تحلیل کاملی از نقش تمدن‌ها ارائه نشود. تمدن‌ها از راه‌های گوناگون با هم در تبادل هستند؛ از این رو راه‌های صلح، درست به اندازه راه‌های جنگ اهمیت دارند. تمدن‌ها دارای یک نظام

۱. این متن ترجمه‌ای است از:

Mahdi Mozaffari; "Globalization, Civilization and World Order; A world Constructivist Approach", in Mahdi Mozaffari: *Globalizations and Civilizations*; Routledge: 2002.

بسته نیستند و منقذهای زیادی دارند و پذیرای تأثیرات بیرونی هستند. بنابراین ارائه نگاهی تک‌بعدی به تمدن سبب می‌شود نتوان نقش آن در توسعه تاریخی را به دست آورد.

رابرت کاکس در فصل پنجم در مقاله‌ای با عنوان «تمدن‌ها و قرن بیست‌ویکم تأملاتی نظری» به این موضوع می‌پردازد که چگونه باید تمدن‌ها و نقش آنها را در جهان آینده به صورت نظری تبیین کنیم، نتایج ضمنی آنها برای مطالعات بین‌المللی چیست و چه راهکارهایی را می‌توان برای برون‌رفت از رویارویی‌های میان تمدنی بررسی کرد؟ کاکس برای دستیابی به جهان امن و به‌دور از منازعه میان تمدن‌ها، دو ایده را امکان‌پذیر می‌داند: نخست ایده جذب سایر تمدن‌ها در تمدن آمریکایی که این الگو بر اساس برداشت از تمدن به صیغه مفرد رخ می‌دهد؛ یعنی اینکه در جهان صرفاً یک تمدن وجود دارد و بقیه تمدن‌ها به‌ناچار باید جذب آن شوند. ایده دوم مبتنی بر قرارگرفتن سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل در کانون هماهنگی‌های تمدنی است. سازمان ملل باید به این صورت عمل کند که بتواند میان تمدن‌های گوناگون جهانی سازگاری ایجاد کند.

دنیل چیروت در فصل ششم با عنوان «برخورد تمدن‌ها یا برخورد پارادایم‌ها؟» نگاه متفاوتی را به منشأ تعارض در جهان معاصر عرضه می‌کند. وی بر این امر تأکید دارد که منازعه امری تمدنی نیست؛ بلکه امری فرهنگی است که در درون جوامع با انتخاب‌هایی که به آن دست می‌زنند، رخ می‌دهد؛ زیرا ممکن است یک فرهنگ که بر اساس انتخاب، سلیقه و موضع فرد دست به کنش می‌زند، مدل زندگی غربی و ارزش‌های برآمده از آن را طرد کند یا برعکس ارزش‌های غربی از نگاه فرد ستودنی باشد که باز هم این مسئله به

انتخاب و سلیقه فرد باز می‌گردد؛ به دیگر بیان دنیل چبروت سطح منازعه را از سطح کلان بین‌المللی به سطح خرد و درون جوامع ارجاع می‌دهد و از این منظر می‌کوشد ضمن نقد تحلیل‌های تمدنی، تحلیل‌های متفاوت و مفصل‌تری را در باب علت منازعه در جهان معاصر ارائه دهد.

وولف شافر در فصل هفتم با عنوان «تمدن جهانی و فرهنگ‌های بومی» به این پرسش می‌پردازد که آیا تمدن امری مفرد است یا جمع؛ به این معنا که آیا ما یک تمدن داریم که در کل جهان فعال است و فرهنگ‌ها یا گفتن‌های پرشماری درون آن فعال است یا اینکه همان گونه که هانتینگتون می‌گوید ما تمدن‌های فراوانی با هویت‌های تمدنی متفاوت داریم که امکان تعامل میان آنها را از بین می‌برد و اساساً همین امر عامل نزاع میان آنهاست. شافر با تکیه بر مفهوم تمدن علمی - تکنولوژیکی بر بیان تفسیر متفاوتی از تمدن‌ها می‌کوشد. در این وضعیت یک تمدن علمی - تکنولوژیکی هیچ قلمرو خاصی را ادعا نمی‌کند و هیچ مرکزی ندارد؛ اما به تمامی مراکز و قلمروها نفوذ می‌کند و همه را با هم مرتبط می‌کند. این تمدن از دولت - ملت به مثابه یک واحد تحلیل تاریخی، سیاسی و جامعه‌شناسانه فراتر می‌رود و ایده ترسناک یک حکومت جهانی مرکزیت‌یافته را خدشه‌دار می‌کند و راه‌های متعددی را برای شیوه حکومت جهانی عرضه می‌کند. در این فرایند با ظهور تمدن، دیگر مقوله‌هایی به نام «تمدن‌های جهانی» نداریم؛ زیرا این تمدن‌ها به فرهنگ‌هایی بومی درون یک تمدن جهانی تبدیل شده‌اند.

مهدی مظفری در فصل هشتم با عنوان «تمدن اسلامی بین مدینه و آن» به بررسی فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌پردازد و بر این باور است که تمدن اسلامی استمرار تمدن گذشته خود، یعنی تمدن برآمده از ادیان ابراهیمی

است. مظفری پس از بررسی ادوار گوناگون تمدن اسلامی، به چالش‌های پیش‌روی آن اشاره کرده است. آخرین چالشی که تمدن اسلامی با آن روبرو شده، وضعیت کنونی جهان معاصر، یعنی جهانی شدن است. مظفری بر این باور است که در پاسخ به این پرسش، برخی مدل تمدن اسلامی نخستین یعنی مدینه را چاره‌روبارویی با چالش‌های پیش‌رو می‌دانند و برخی دیگر نیز - از جمله خود مظفری - همراه شدن با فرایند جهانی شدن را واکنشی منطقی به چالش‌های پیش‌روی تمدن اسلامی می‌دانند.

این مجموعه می‌تواند طیفی از دانش پژوهان گرایش‌های گوناگون مطالعات تمدنی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مطالعات فرهنگی و... را در بر گیرد و در کنار آثار دیگر گروه مطالعات تمدنی به صورت نظام‌مند هم پرسش‌های مرتبط با حوزه مطالعات تمدنی را طرح کرده و هم کوشیده در نخستین گام، پاسخی اجمالی برای آن فراهم آورد تا ایده‌های تمدنی در فضای مطالعات علوم انسانی رونق گیرد. از تمامی عزیزان و پژوهشگران مرکز مطالعات تمدنی به‌ویژه مدیر محترم مرکز جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر بابائی برای اهتمام و حمایت‌های بی‌دریغ ایشان در انجام پروژه‌های مرتبط با مطالعات تمدنی، همچنین مدیر محترم پیشین گروه جناب آقای دکتر محمدرضا بهمنی به علت همراهی و همدلی در فرایند فعالیت‌های پژوهشی تشکر و قدردانی می‌کنیم.